



تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی (مورد: اینستاگرام)^۱

Experience and the Meaning of Good Life in the Informal Curriculum of High School Students (Case: Instagram)

M.Kord, Y. Ghaedi (Ph.D),
S. ZarghamiHamrah (Ph.D),
R. Barkhordari (Ph.D)

خانم مزگان کرد^۲، دکتر یحیی قائدی^۳، دکتر سعید
ضرغامی همراه^۴، دکتر رمضان برخوردار^۵

Abstract: In the new perspectives of the curriculum, informal and lived experiences of students are as valuable as formal and planned experiences. The main purpose of this research is to examine the experience and meaning of good life in the informal curriculum of high school students. To this purpose, the experience and meaning of a good life for students through Instagram mediation were examined. To achieve this goal, phenomenology method was considered appropriate and semi-structured interviews were conducted with 7 female high school students in Izeh city. The findings were divided into eight categories: celebrity, extremes and imitation, pleasant mental feeling, flow experience, academic failure, family relationships, finding a career path and gaining skills and four conceptual classes of orientations, behaviors, experiences and the performances. It represents an experience and meaning hedonistic and preference-satisfaction of good life for students.

Keywords: informal curriculum, good life, Instagram.

چکیده: در دیدگاه های جدید برنامه درسی، تجربه های غیررسمی و زیست شده دانش آموزان همچون تجربه های رسمی و طرح شده ارزشمند هستند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیر رسمی است. بدین منظور تجربه و معنای زندگی خوب نزد دانش آموزان با واسطه گری اینستاگرام بررسی شد. برای دستیابی به این هدف روش پدیدارشناسی مناسب دانسته شد و با ۷ نفر از دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان ایذه مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. یافته ها در هشت مقوله: شهرت، افراط و تقلید، احساس ذهنی خوشایند، تجربه غرق شدگی، افت تحصیلی، روابط خانوادگی، یافتن مسیر شغلی و کسب مهارت ها و چهار طبقه مفهومی جهت گیری ها، رفتارها، تجربه ها و عملکردها قرار گرفتند که نشان دهنده تجربه و معنایی لذت گرا و خواسته محور از زندگی خوب نزد دانش آموزان است.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، زندگی خوب، اینستاگرام.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه خوارزمی است. - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش:

۱۳۹۹/۰۲/۳۱

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، رایانامه: moz.kord@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه خوارزمی، رایانامه: yahyaghaedy@yahoo.com

۴. دانشیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه خوارزمی، رایانامه: zarghamii2005@yahoo.com

۵. استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه خوارزمی، رایانامه: ramazanbarkhordari@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

برنامه درسی به عنوان تجربه زیست شده^۱ ریشه در دیدگاه‌های پدیدارشناسی^۲ دارد. بدین ترتیب که آنچه اساس برنامه درسی را تشکیل می‌دهد عبارت است از فرد و تجربه وی (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۳). از این دیدگاه در نظر گرفتن تجربه‌های غیر رسمی دانش‌آموزان اهمیت بسیار دارد چرا که آنچه در کلاس درس و در جریان یادگیری اتفاق می‌افتد تنها ریشه در تجربه‌های رسمی و طرح شده در برنامه درسی ندارد بلکه بخش عمده آن را باید در بیرون از کلاس درس و در تجربه‌های غیر رسمی و زیست شده دانش‌آموزان جست و جو کرد.

امروزه در تجربه زیست شده دانش‌آموزان درباره امور گوناگون می‌توان ردپای پررنگ فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی را دید. بررسی تجربه‌های غیر رسمی و زیست شده دانش‌آموزان درباره مسائل مختلف بدون در نظر گرفتن این فناوری‌ها ناقص است. یکی از این موارد درک و تجربه‌ای است که دانش‌آموزان درباره زندگی خوب دارند. هسته مرکزی فلسفه‌های زندگی خوب^۳ اندیشیدن درباره ماهیت زندگی خوب است. شناسایی اجزای زندگی خوب، به پرسش «چه چیزی در زندگی مهم است؟»^۴ مربوط می‌شود. ساختار هر کدام از فلسفه‌های زندگی خوب بر اساس اینکه چه چیزی را در زندگی مهم بدانند، متفاوت است. با نگاهی به ادبیات مرتبط، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی را درباره فلسفه‌های زندگی خوب می‌بینیم. فلچر^۴ (۲۰۱۶) نظریه‌های اصلی زندگی خوب را لذت‌گرایی^۵، انجام خواسته^۱، فهرست عینی^۱ و

^۱ curriculum as lived Experienc

^۲ phenomenology

^۳ philosophies of good life

^۴ Fletcher

^۵ hedonism

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

کمال‌گرایی^۳ می‌داند. به گفته پارفیت (۱۹۸۴)، به نقل از لین، (۲۰۱۶) نظریه‌های اصلی زندگی خوب عبارتند از: لذت‌گرایی، نظریه‌های رضایت‌میل^۴ و فهرست‌عینی. بیشاپ^۵ (۲۰۱۵) از سه موضع عمده در نظریه‌های زندگی خوب می‌گوید که تقریباً همه نظریه‌های رایج را پوشش می‌دهند: لذت‌گرایی که خوب زیستن را تابعی از افزونی میزان لذت بر رنج در زندگی می‌داند؛ نظریه ارسطویی فضیلت که مطابق آن زندگی خوب مستلزم برخورداری از شخصیتی فضیلت‌مند است که سبب رشد و شکوفایی فرد در ارتباطی سالم و فعالانه با جهان و انسان‌ها می‌شود. از این دیدگاه نیک‌بختی، زندگی توأم با فعالیت فضیلت‌مندانه یا به طور کلی‌تر، تحقق‌توانایی‌هایی اساسی انسانی است (استنفورد، ۲۰۱۹). نظریه‌میل یا خواهش‌سنجیده نیز بر این عقیده است که وقتی انسانی عاقل و آگاه بدان چه می‌خواهد و میل می‌کند می‌رسد، در شرایط به‌روزی به سر می‌برد.

از دیدگاه بسیاری از فیلسوفان آموزش و پرورش و نیز در بسیاری از سند‌های رسمی برنامه‌درسی، زندگی خوب هدف اصلی و برتر تعلیم و تربیت است (وایت^۶، ۲۰۱۱؛ حاجی و کوپرز^۷، ۲۰۰۸). در هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی در ایران، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است»

1. desire fulfilment theory

2. objective-list theory

3. perfectionism

4. desire satisfaction

5. Bishop

6. White.J

7. Haji and S. E. Cuypers

۱۳۹۱: ۱۵). در سند تحول بنیادین و نیز برنامه درسی ملی حیات طیبه مصداق زندگی خوب است که به عنوان هدف مطلوب و تصریح شده در برنامه درسی رسمی، طرح شده است اما بر بنیاد دیدگاه‌های بسیار در برنامه درسی ما با انواع برنامه‌های درسی مواجه هستیم که نادیده گرفتن هرکدام به مثابه غفلت از بخش عمده‌ای از یادگیری‌های دانش‌آموزان است. در دانشنامه مطالعات برنامه درسی (۲۰۱۰) سی نوع برنامه درسی شناسایی و معرفی شده است که توضیح آن‌ها از قلمرو این مطالعه خارج است. برنامه درسی بیرونی^۱ یکی از انواع برنامه درسی اشاره شده در این دانشنامه است که شامل مجموعه آموخته‌ها و الگوهای یاددهی-یادگیری است که در فضای خارج از مدرسه روی می‌دهد. این نوع برنامه درسی گاه ممکن است ادامه یادگیری‌های دانش‌آموزان از برنامه درسی قصد شده و رسمی باشد که در این صورت به عنوان مکمل برنامه درسی رسمی عمل می‌کند و گاه ممکن است تداوم ناقصی از یادگیری‌های رسمی دانش‌آموزان باشد و حتی ممکن است در تضاد با برنامه درسی رسمی و قصد شده باشد. در همین زمینه تجربه غیررسمی و بیرونی که دانش‌آموزان درباره زندگی خوب دارند از این جهت که مفهومی کانونی در تعلیم و تربیت است ضرورت دارد. بر همین اساس زندگی خوب مفهومی است که نمی‌توان شکل‌گیری آن را در ذهن و ضمیر دانش‌آموزان فقط از طریق قالب کلاس و برنامه درسی رسمی دید. بلکه توجه به تجربه بیرونی و غیررسمی دانش‌آموزان در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است. این درک و تجربه تحت تأثیر عوامل گوناگون است. یکی از این عوامل سازنده و دگرگون

^۱ . outside curriculum

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

کننده تجربه دانش آموزان در جهان امروز همچنان که گفته شد فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی است.

به گفته بری (۲۰۱۲) علی رغم نقش فراگیر فناوری در جامعه مدرن و زندگی معاصر، پژوهش های اندکی درباره زندگی خوب با تمرکز بر فناوری انجام شده است. اندیشمندان روشننگری بر این باور بودند که فناوری عمدتاً برای اهداف خوب مورد استفاده قرار می گیرد. دیدگاه خوش بینانه فناوری روشننگری هنوز هم در جوامع نمایان است. در نسخه لذت گرایانه این دیدگاه (خوش بینانه نسبت به فناوری) این اعتقاد وجود دارد که فناوری درد را با کاهش کار و سختی آن کاهش داده و با بیشتر کردن زمان فراغت برای انجام فعالیت های لذت بخش باعث افزایش رضایت از زندگی شده است. بر اساس دیدگاه رضایت میل، فناوری به عنوان ابزاری نیرومند برای اجرای خواسته ها دیده می شود؛ سرانجام بر اساس دیدگاه فهرست عینی و سعادت گرایی، فناوری همچون ابزار موفقیت بیشتر در هدف های فهرست عینی، یا تشخیص توانایی خود کامل دیده می شود. اما این فقط بخشی از داستان فناوری است؛ آن هم بخش خوب آن که در بستر نگاه کاملاً خوشبینانه ای که به علم، پیشرفت و به صورت کلی آرمان هایی که روشننگری در پی آن بود، رشد کرد. با مطالعات بیشتر نشان داده شد که فناوری ممکن است روی دیگری نیز داشته باشد و بخش های ناپیدایی دارد که آن ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی دیگر فناوری هم ابعاد مثبت دارد و هم ابعاد منفی و در چارچوبی کلی تر می توان گفت که فناوری خشتی نیست. رابطه ای که میان فناوری و انسان، فناوری و طبیعت و فناوری و زندگی برقرار است نسبتی بده-بستانی است؛ چیزی می دهد درمقابل چیزی می گیرد؛ این چنین نیست که فناوری فقط به جهان ما بیفزاید بلکه چیزهایی را نیز کاهش می دهد. چرا که ذات فناوری مدرن حسابگرانه است و این به دلیل برآمدن از دل

¹.Brey

عقلانیت ابزاری است که پارادایم غالب مدرنیته بوده است. یکی از اندیشمندانی که تاکید بسیاری بر این پیامدهای افزایشی/کاهشی فناوری دارد، دون آیدی^۱ است. آیدی (۲۰۰۲ به نقل از ضرغامی، ۱۳۹۶) با الهام از اندیشه‌های هایدگر بر این باور است که فناوری خنثی نیست و از این رو برخی ابعاد زندگی ما را به بهای تضعیف برخی ابعاد دیگر تقویت می‌کند. فناوری موجب دگرگونی تجربه انسانی می‌شود و این دگرگونی کاهش-افزایشی است (آیدی، ۱۹۷۹). به عبارتی دیگر هر نوع کاربرد فناوری خنثی نبوده و بر تجربه انسان تاثیر می‌گذارد. زندگی ما در جهان، زندگانی ای فناورانه است؛ ما در میان دستگاه‌ها و فناوری‌های مختلف زندگی می‌کنیم، رابطه ما با جهان به صورت انسان-ابزار-جهان می‌باشد و این گونه زندگی یعنی زندگی فناورانه نوعی از بودن متفاوت در جهان را ایجاد کرده است (آیدی، ۱۹۷۹). از این رو فناوری‌ها رابطه بین انسان و جهان را واسطه‌گری می‌کنند و در شکل‌گیری دانش و تجربه بشری به نوعی تاثیرگذارند. در نگاه آیدی، فناوری‌ها فقط ابزار و وسیله نیستند، بلکه مداخله‌کننده بین تجارب انسان نیز محسوب می‌شوند (روزنبرگ و وربیک، ۲۰۱۵). آیدی برای توصیف چگونگی واسطه‌گری فناوری میان انسان و جهان، پس‌پدیدارشناسی^۲ را پیشنهاد می‌کند. در واقع، وساطت برای آیدی بر دگرگونی ادراک دلالت می‌کند و فناوری می‌تواند باعث شود ما جهان را به گونه‌ای متفاوت ادراک کنیم و این وساطت بین سوژه و ابژه سبب می‌شود آنها هر دو تغییر کنند و هر دو شکل جدیدی به خود بگیرند (وربیک، ۲۰۰۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی^۴ از جمله این واسطه‌ها یا میانجی‌های فناورانه هستند که می‌توانند ادراک و تجربه انسان را دگرگون کنند و به لحاظ عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی به‌وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده‌اند و زمینه‌های تاثیرگذاری را در جوامع به‌وجود آورده‌اند.

1. Ihde

2. Rosenberger & Verbeek

3. post-phenomenology

4. virtual social networks

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

اینستاگرام^۱ یکی از این شبکه های اجتماعی مجازی است که کاربرد آن اشتراک گذاری عکس و ویدیو است. دنبال کردن صفحات کاربران مختلف در سراسر دنیا و تعامل با آن ها از خدماتی است که این شبکه اجتماعی به صورت رایگان به کاربران خود ارائه می دهد. آمارها نشان می دهد که اینستاگرام در سال های اخیر از محبوبیت رو به رشدی به ویژه در میان نوجوانان برخوردار شده و از این منظر، از بسیاری از شبکه های اجتماعی مشابه خود نظیر فیس بوک پیشی گرفته است. فراگیر شدن این شبکه اجتماعی در دنیا و ایران، لزوم بررسی ابعاد گوناگون آن را ضروری می سازد. در این میان، دانش آموزان از این جهت که در سنین نوجوانی به سر می برند و در ابتدای راه استقلال فکری، کسب هویت و یافتن و ساختن فلسفه زندگی هستند، گروهی ویژه به شمار می آیند. توجه به منابع شکل دهنده به تجربه و درک آن ها از امور مختلف به ویژه زندگی خوب اهمیتی بسیار دارد. دوران نوجوانی، به دلیل دگرگونی های جسمی، روحی، عاطفی و هیجانی، ذاتاً دورانی بحرانی است و می توان گفت یک چالش مهم برای پژوهش های تربیتی، درک پیامدهای فناوری در یادگیری، زندگی خوب و مشارکت دانش آموزان در جامعه است (یوهان، پلگر و یاکوبسن^۲، ۲۰۱۹). و باید به تغییراتی که این فناوری ها در زندگی و زیست جهان دانش آموزان پدید می آورند هوشیارتر بود. نظر به آنچه گفته شد و با توجه به دیدگاه های دیگر و آیدی مبنی بر اینکه اینستاگرام همچون نمودی از فناوری ارتباطی، برخی از جنبه های ادراک و تجربه ما آدمیان را تغییر می دهد، و موجب دگرگونی تجارب انسان در حوزه های گوناگون می شود، می توان این پرسش را مطرح کرد که دانش آموزان چه تجربه ای از معنای زندگی خوب، با واسطه گری اینستاگرام، دارند؟

برخی از پژوهش هایی که در راستای پژوهش حاضر انجام شدند عبارتند از: پژوهش دهقانی و همکاران (۲۰۱۹) که به این نتیجه رسیدند که باید چالش های

¹ .Instagram

² . Johan, Pelger , Jakobsson

شبکه های اجتماعی مجازی را به فرصت در آموزش و تربیت تبدیل کرد. گوندوز (۲۰۱۷) بیان می کند که سیستم های شبکه های اجتماعی اهمیت فزاینده ای در زندگی ما دارند، زیرا مکان هایی هستند که تجربیات زندگی ما را نمایش می دهند. گاک (۲۰۱۶)، در پژوهش خود نشان داده که فناوری های دیجیتال و شبکه های اجتماعی تاثیر منفی بر تحصیل و عادات دانشجویان و دانش آموزان دارند. آچتر هویس (۲۰۰۲) به بررسی فلسفه فناوری برگمن و دیدگاه او درباره فناوری و زندگی خوب می پردازد. برگمن (۱۹۸۴) به بررسی ویژگی های فناورانه و پارادایم ابزار به عنوان پارادایم غالب زندگی معاصر نام می برد. کریمی و امین زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تاثیر شبکه های اجتماعی بر ارتباط بین فردی دانش آموزان پسر در مقطع متوسطه دوم شهر جهرم پرداختند.

چارچوب نظری

بررسی تجربه دانش آموزان درباره معنای زندگی خوب به ویژه بررسی این تجربه با واسطه گری اینستاگرام، موضوع درخور پژوهشی است. برای این منظور در این مطالعه از سه گونه نظریه بهره گرفته شد. گونه نخست نوع نگاه به برنامه درسی است که ریشه در پدیدار شناسی دارد و در آن از برنامه درسی به مثابه تجربه زیست شده دانش آموزان نام برده می شود و بر این اساس هم تجربه های رسمی دانش آموزان و هم تجربه های غیر رسمی و بیرونی آن ها ارزشمند شمرده می شوند. گونه دوم نوع نگاه به فناوری را مشخص می کند. نظریه مبنایی این گونه، دیدگاه هایدگر درباره ماهیت فناوری است. به باور او فناوری ابزاری خنثی نیست. فناوری دارای ذاتی است که بودن ما را متأثر یا به تعبیر هایدگر بودن ما را پنهان می کند (هایدگر، ۱۹۷۷). آیدی با الهام از اندیشه های هایدگر، بر این باور است که فناوری واسطه درک ما درباره جهان می شود. در رویکرد پساپدیدارشناسی یک نوع فناوری در نظر گرفته می شود تا میزان تغییری را که این فناوری در تجربه یادگیرندگان و درک آنها از جهان ایجاد می کند بررسی کند. پرسش های اصلی فلسفه فناوری از منظر آیدی عبارتند از: فناوری در تجربه روزانه

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

زندگی چه نقشی دارد؟ و اینکه ساخته های بشری چگونه بر هستی انسان ها و روابط آن ها با جهان تأثیر می گذارند (وربیک، ۱۹۹۰). او از چهار نوع واسطه گری فناوری در درک ما از جهان شامل تجسد^۱، هرمنوتیک^۲، دگرگونی^۳ و پس زمینه^۴ سخن می گوید (آیدی، ۱۹۹۰). این که هر یک از این تجربه ها، چه درکی از جهان در اختیار ما می گذارند، از قلمرو مطالعه حاضر خارج است، اما آنچه باید اشاره کرد اینکه فناوری با واسطه گری خود در درک جهان، سبب می شود چنین تجربه ای ختنی نباشد. بر همین اساس می توان پرسید در فرایند استفاده از اینستاگرام چه دگرگونی هایی در تجربه انسان ایجاد می شود. در این باره آنچه در قلمرو این مطالعه، بررسی می شود، تجربه دانش آموزان درباره زندگی خوب است. بدین ترتیب از چشم اندازی که هایدگر و آیدی ایجاد کردند می توان به تغییراتی که اینستاگرام به عنوان یک فناوری در تجربه دانش آموزان از زندگی خوب به وجود می آورد، نگریست.

روش پژوهش

هدف این پژوهش، توصیف و فهم تجربه و معنای زندگی خوب دانش آموزان دختر متوسطه اول با واسطه گری اینستاگرام است. بر همین اساس روش پدیدارشناسی که در زمره پژوهش های کیفی است مناسب دانسته شد. پژوهش پدیدارشناسی به عنوان نوعی پژوهش تفسیری طبقه بندی شده است اما باید توجه داشت که در حقیقت نوعی پژوهش تفسیری است که متمرکز بر برداشت و تجربه انسانی است، و تلاشی منظم و دقیق برای درک و فهم عمیق تجربه است و به این پرسش ها پاسخ می دهد که پدیده تجربه شده چیست و برای افراد چه معنایی دارد (ویلیس، ۱۹۹۱).

-
1. Embodiment
 2. Hermeneutic
 3. Alterity
 4. Background

به نقل از فتحی و اجارگاه، (۱۳۹۳). در این پژوهش نیز هدف فهم تجربه دانش آموزان درباره معنای زندگی خوب با واسطه‌گری اینستاگرام است.

بدین ترتیب با توجه به موضوع و هدف، نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. با استفاده از این شیوه افراد نمونه مورد مطالعه به شکلی هدفمند و بر اساس معیارهایی چون جنسیت، نوجوانی، دانش آموز بودن و مدت زمان استفاده از اینستاگرام به تدریج انتخاب شدند. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌سازمان-یافته جمع‌آوری شد. در این پژوهش با هفت نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان ایذه به صورت انفرادی مصاحبه شد. مصاحبه‌ها به صورت چهره‌به‌چهره در مدرسه انجام شد.

داده‌ها بر اساس روش کلایزی^۱ (۱۹۷۸) تحلیل شد که شامل خواندن یافته‌های مهم و هم‌احساس شدن با افراد شرکت‌کننده به منظور درک افراد و استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج شده، دسته‌بندی مفاهیم و خوشه‌های به دست آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه داده‌ها، توصیف پدیده مورد مطالعه و سپس کدگذاری و استخراج مقوله‌های اصلی و زیر مقوله‌ها انجام گرفت.

برای روایی و دقت پژوهش، اعتبار^۲، اطمینان^۳ و تأییدپذیری^۴ داده‌ها (هالوی و ویلر^۵، ۲۰۰۲) یافته‌های پژوهش در اختیار مشارکت‌کنندگان گذاشته شد و هماهنگی یافته‌ها با تجربه‌های زیسته آن‌ها درباره استفاده از اینستاگرام و معنای زندگی خوب تایید شد. همچنین درگیری نظری و عملی دراز مدت پژوهشگر با

1. Collizzi

2. Credibility

3. Dependability

4. Confirm ability

5. Holloway & Wheeler

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

موضوع و داده ها و نیز تلاش برای بهره گیری از نظر متخصصین، اطمینان و تأیید پذیری یافته ها را تضمین کرده است.

جدول شماره ۱- مشخصات دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش

شماره دانش آموز	سن	جنسیت	مدت استفاده از اینستاگرام
۱	۱۵	دختر	۳ سال
۲	۱۵	دختر	۲ سال
۳	۱۵	دختر	۴ سال
۴	۱۵	دختر	۳ سال
۵	۱۵	دختر	۲ سال
۶	۱۴	دختر	۲ سال
۷	۱۵	دختر	۳ سال

یافته ها

جدول شماره ۲- مقوله های به دست آمده از مصاحبه ها

شهرت	افراط و تقلید	احساس ذهنی خوشایند	تجربه غرق شدگی
دانش آموز شماره ۱: فقط آدم باید معروف باشه... تمام فکر و ذکرم شده این که زندگی یه چیز بی معنی است و تنها چیزی که مهمه معروف شدن. فقط آدم باید معروف بشه تا هیچ چیزی رو بهش تحمیل نکنن....	دانش آموز شماره ۱: قبلا هدفم این بود که بود که معلم بالا بره و برم رشته تجربی اما از وقتی با اینستاگرام آشنا شدم و شروع به فعالیت در اون کردم صبح تا شب پست نگاه می کنم، پست می ذارم، استوری نگاه می کنم، استوری می ذارم.	دانش آموز شماره ۱: وقتی تو اینستا حس خیلی خوبی دارم مخصوصا وقتی فالوورهام و لایک هام بره بالا...» دانش آموز شماره ۲: وقتی که تو اینستا همه چی خوبه بهم خوش می گذره.» دانش آموز شماره ۴: حس خوبی دارم وقتی تو اینستا	شرکت کننده شماره ۱: وقتی تو اینستا هستم برام مهم نیست چه اتفاقی می افته، اصلا متوجه نمی شم شاید مامانم سه بار چهار بار صدام می کنه. می گم یه دقیقه وایسا این فیلم تموم بشه... اون تموم می شه دوباره فیلم دیگه عکس دیگه و...

شهرت	افراط و تقلید	احساس ذهنی خوشایند	تجربه غرق شدگی
دانش آموز شماره ۳: شهرت خیلی برام جذابه. ورزش رو برای این انتخاب کردم که مشهور و معروف بشم مثل ورزشکارای تیم ملی.»	هر چالشی برام جذابه چند بار نگاه می کنم دانلود می کنم، آهنگ ها رو دانلود می کنم، آهنگ ها رو حفظ می کنم... هر کاری می کنم تا لایک بخورم.»	هستم فکر کن تو اناقت نشستی فیلم نگاه می کنی آهنگ گوش میدی یا طراحی چهره و لباس می بینم یا یه متن قشنگ فلسفی و هنری. دانش آموز شماره ۶: حس خوبیه دیدن کارای دیگران مثلا بعضیا بودن حتی خانواده خودشون رو مسخره می کردن.	شرکت کننده شماره ۲: پست ها و پیج ها ندارن همینجوری هر چی جلوتر میریم بیشتر غرقشون میشیم. شرکت کننده شماره ۳: من وقتی تو اینستام اونقدر برام جذابه که اصلا یادم میره بخوابم همینجوری ادامه می دم می بینم یهوساعت شش صبح شده.
دانش آموز شماره ۶: مهم ترین هدف تو زندگی برام معروف شدنه. دانش آموز شماره ۷: خیلی برام اهمیت داره که فالوورم بره بالا. کامنت، لایک، همه خیلی مهمن. تو فضای مجازی هر کی فالوورش بره بالا شناخته شده ترهست. خوب این از همه چی برام مهم تر شده.»	دانش آموز شماره ۳: دوست دارم همه چیز رو تو اینستاگرام ببینم. پیج سلبریتی ها رو خیلی می بینم می خوام ببینم چه پستی می دارن.» دانش آموز شماره ۴: « به آهنگ گوش می دم همش هندزفری تو گوشمه. تو فضای مجازی می چرخم.» دانش آموز شماره ۶: روزانه کارم شده این که عکس بذارم، استوری بذارم ببینم این میره کجا اون میره کجا مسخره کنم، می خوام ببینم نظر بقیه چیه.... دانش آموز شماره ۷: «	شرکت کنند شماره ۵: وقتی میری تو فضای مجازی دیگه نمی تونی بزنی بیرون. میگی بقیه رو هم نگاه کنم بعد می بینی کلی وقت رفته.» شرکت کننده شماره ۶: میگفتم یه دقیقه برم چک کنم بعد میرم درسم رو می خونم.. اون یه دقیقه حتی سه چهار ساعت طول می کشید.» شرکت کننده شماره ۷: فضای اینستا خیلی	

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

شهرت	افراط و تقلید	احساس ذهنی خوشایند	تجربه غرق شدگی
	هر روز با دیگران چت می کنم فرقی نمی کنه پسر باشه دختر باشه. با دوستانم. عکس آدم های معروف رو می بینم.		جذابه. آدم میگه پنج دقیقه میرم می بینی کل روز رو تو اینستایی... اصلاً متوجه دورو طرافم نیستم، شاید مامانم صدبار صدام کنه اصلاً متوجه نمیشم. یعنی غرقم تو فضای مجازی.

افت تحصیلی	روابط خانوادگی	یافتن مسیر شغلی	کسب مهارت
شرکت کننده شماره ۱: « قبل از اینکه گوشی داشته باشم بیشتر درس می خوندم بیشتر به فکر آینده بودم اما از وقتی گوشی گرفتم دیگه مثل قبل درس نمی خونم. قبل از نصب اینستاگرام عاشق درس خواندن مخصوصا ریاضی و علوم بودم اما بعد از اینکه اینستا نصب کردم دیگه درس نمی خوندم بعضی وقتا شب امتحانی بودم لای کتاب رو باز نمی کردم	دانش آموز شماره ۱: دوست ندارم بیرون برم اصلاً میلی به بیرون رفتن ندارم... قبلاً بیشتر با مامانم حرف می زدم. اما از وقتی اینستاگرام نصب کردم دیگه نه. دیگه برام اهمیتی نداشت.» دانش آموز شماره ۳ « اون موقع که تو اینستا هستم اصلاً با خانواده م کاری ندارم. تنها تواتاق.» دانش آموز شماره ۴: « من بیشتر اوقات با	دانش آموز شماره ۲: « مهم ترین هدفم اینه که به عکاس و طراح لباس خوب بشم. تو اینستا با طراحی لباس آشنا شدم.» دانش آموز شماره ۴: « قبلاً علوم و ریاضی بیشتر دوست داشتم اما بیشتر پیچ هایی که می دیدم آموزش طراحی چهره و لباس و ادیت عکس بود. میشه گفت اگه من این پیچ ها رو نمی دیدم شاید سمت هنر نمی رفتم الان حتی می خوام رشته	دانش آموز شماره ۲: « می خوام با یکی از دوستانم به پیچ عکاسی بزнім ما نمونه کارهامون رو می ذاریم، خیلی از دوستانم منتظرن من پیچ عکاسیم رو بزئم.» دانش آموز شماره ۳: « خیلی وقت ها فیلم های ورزشی تمرین بدمیتون، والیبال و... میذارم می بینم. تکنیک ها رو یاد می گیرم. » دانش آموز شماره ۴: « از کلیپ های آموزشی

افت تحصیلی	روابط خانوادگی	یافتن مسیر شغلی	کسب مهارت
<p>بعدش هم گند می زدم به امتحان.»</p> <p>شرکت کننده شماره ۲: «وقتی که گوشه دستمه کلا بی خیال درس خوندم میشم. در طول سال تحصیلی به خودم می گم گوشه دستم باشه هم می تونم درس بخونم ولی نتونستم و نمره هام خیلی کم شد.»</p> <p>شرکت کننده شماره ۴: « زمانی که صرف اینستا میکردم خیلی زیاد بود همین باعث می شه از درس هام عقب بمونم و نمره هام از قبل کمتر بشه.»</p> <p>شرکت کننده شماره ۵: «وقتم خیلی تلف میشه و این باعث میشه دیگه وقت نکنم درس بخونم و نمره هام کمتر شده.»</p> <p>شرکت کننده شماره ۶: « وقتی که می داشتم برای درس خوندم</p>	<p>گوشیم هستم ارتباط خاصی با خانوادم ندارم</p> <p>میشه گفت من برا خودم تنهام.»</p> <p>دانش آموز شماره ۷: «ارتباطم خیلی با خانوادم کمتر شده. نصف روز رو تو اتاقم می گذروم تو اینستا. مامانم میگه تو اصلا از ما فاصله گرفتی. انگار اتاقت شده یه خونه جدا.»</p>	<p>هنر رو برای دبیرستان انتخاب کنم.»</p> <p>دانش آموز شماره ۵: «دوست دارم برم رشته عکاسی. از اینستا تاثیر گرفتم و خیلی چیزا درباره عکاسی یاد گرفتم...»</p> <p>دانش آموز شماره ۷: «من از موقعی که یادم هست می گفتم میخوام رشته تجربی بخونم اما از پارسال نظرم تغییر کرد گفتم انسانی. پیج یه قاضی رو دنبال می کردم با وکالت آشنا شدم. خیلی خوشم اومد.»</p>	<p>استفاده می کنم. همینطور که داشتم تو اینستا می گشتم با یه پیج آشنا شدم که ادیت عکس بود منم یاد گرفتم. حالا بیشتر اوقات دوستانم عکساشون رو میدن به من که ادیت کنم.»</p>

کسب مهارت	یافتن مسیر شغلی	روابط خانوادگی	افت تحصیلی
			<p>خیلی کم تر شده نسبت به سال قبل و همین باعث شده تو بعضی درسای سخت مثل ریاضی و علوم نمره هام کمتر بشه.»</p> <p>شرکت کننده شماره ۷: «من دختری بودم که حتی تا پارسال سر بیست و پنج صدم نمره کم گرفتن گریه می کردم اما الآن برام مهم نیست. نمره های پارسالم از امسال خیلی بهتر بود. وقتی که می خوام درس بخونم کتاب که باز می کنم صفحه اینستا جلوم میاد. می خوام درسم بخونم میگم برم تو اینستا دنبال مطلب درسی بگردم.»</p>

جدول شماره ۳- طبقه‌بندی مفهومی داده‌ها

عملکرد	تجربه‌ها	رفتارها	جهت‌گیری‌ها	عناصر زندگی خوب تجربه دانش‌آموزان
افت تحصیلی، روابط خانوادگی، یافتن مسیر شغلی، کسب مهارت،	احساس ذهنی خوشایند، تجربه غرق شدگی	افراط و تقلید	شهرت، تغییر نگرش درباره امور مختلف چون تحصیلات و زندگی خوب، تغییر باورها و ارزش‌ها	

تحلیل داده‌ها

در گام نخست ادراک و تجربه دانش‌آموزان از مفهوم زندگی خوب با واسطه‌گری اینستاگرام، در هشت مقوله دسته‌بندی شد. هشت مقوله به دست آمده عبارتند از: شهرت، افراط و تقلید، احساس ذهنی خوشایند، تجربه غرق‌شدگی، افت تحصیلی، روابط خانوادگی، یافتن مسیر شغلی و کسب مهارت‌ها. سپس این هشت مقوله در چهار طبقه مفهومی جهت‌گیری‌ها، رفتارها، تجربه‌ها و عملکردها قرار گرفتند. یکی از راه‌های تشخیص فلسفه زندگی خوب افراد این است که ببینیم جهت‌گیری‌ها، رفتارها، تجربه‌ها و عملکرد آن‌ها در زندگی چگونه است.

جهت گیری ها^۱:

به معنای اولویت های شخصی، دلایل، انگیزه ها، ارزش ها و اهداف پشت سر رفتارهای انتخاب شده فردی هستند. به عبارتی دیگر « چرایی » رفتار رامشخص می کند؛ و بر متغیرهایی که رفتارهای شخص را هدایت می کند و سازمان می دهد متمرکز است. این متغیرها اغلب به عنوان پیش بینی کننده های رفتار بررسی می شوند (هوتا، ۲۰۱۶). در بررسی داده هایی که از مصاحبه با دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش انجام گرفت روشن شد که جهت گیری این دانش آموزان در زندگی به سمت شهرت و معروف شدن است، همان جهت گیری و هدفی که بیشترین طرفدار را در شبکه اجتماعی اینستاگرام دارد. نمود چنین جهت گیری هایی را می توان هم در نگرش ها و هم در رفتارهای دانش آموزان مشاهده کرد. از جمله: تغییر نگرش درباره مفاهیم مختلف همچون تحصیلات، شهرت و زندگی خوب؛ تغییر در باورها و ارزش ها و در الگو گرفتن از سلبریتی ها و فضای مجازی. سلبریتی^۲، واژه ای انگلیسی است و در فارسی به معنای شخص نامدار و معروف، عضوصنوف ممتاز اجتماع، ستاره یا شخصیت برتر جماعت به کار می رود. این کلمه عموماً به ستارگان ورزشی و هنرمندان، خصوصاً سوپرستارهای سینما اطلاق می شود، زیرا این دو گروه معمولاً بیش از سایر گروه های شهرت دیده می شوند و شناخته شده هستند. علی رغم اینکه علاقه به شهرت و سلبریتی شدن در جوامع و به ویژه در میان جوانان در حال گسترش است اما این موضوع هنوز جای خود را در مباحث دانشگاهی باز نکرده است. به گفته فریس (۲۰۰۷) تا همین اواخر، در حلقه های جدی دانشگاهی شهرت و سلبریتی موضوعاتی مبتذل تلقی می شدند که برای درک جامع جهان اجتماعی اهمیتی ندارد. در مطالعات کنونی درباره پدیده سلبریتی دو دیدگاه غالب وجود دارد. اول سلبریتی به عنوان آسیب شناسی و دوم سلبریتی به عنوان کالا. محققان و منتقدان اجتماعی تمایل

¹ . Orientations

² . Celebrity

دارند تا از این پیش‌فرض آغاز کنند که شهرت و سلبریتی در تمامی اشکالش، بد، فاسد و به عبارت دیگر تحقیرشدنی است. برای نمونه گابلر (۱۹۹۹ به نقل از فریس، ۲۰۰۷) یکی از افرادی است که پرسش ارتباط بین شهرت امروزی و موفقیت واقعی را طرح می‌کند. طبق نظر این نظریه پردازان، سلبریتی بودن در جامعه معاصر لزوماً به این معنی نیست که یک فرد در مقایسه با میانگین افراد آن جامعه از استعداد، مهارت، ذکاوت یا سایر موهبت‌ها برخوردار است، این صرفاً به این معنی است که یک نفر به شکل موفقیت آمیزتری بسته بندی شده، تبلیغ شده و توده تشنه را جذب کرده است. مارشال (۲۰۱۵) از جمله کسانی بود که ایده سلبریتی به مثابه کالا را توسعه داد. او معتقد است که کالایی شدن سلبریتی صرفاً نشانه قدرت بالای سرمایه‌داری برای کالا کردن همه افراد است. بنابراین سلبریتی‌ها تجسم دو ایدئولوژی مسلط فردگرایی و سرمایه‌داری بازار در فرهنگ غربی معاصرند. جدای از مباحث نظری پدیده سلبریتی، آنچه جالب است اینکه از دیدگاه دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش شهرت خوب است، جذاب است و حلال مشکلات و سلبریتی شدن نهایت آرزوی آن‌ها و مهم‌ترین هدف آن‌ها در زندگی. جهت‌گیری همه آن‌ها مشهور شدن است فقط تفاوت در انتخاب مسیر است که یکی آن‌ها را در هنر می‌بیند و دیگری ورزش. و همچنان که پیش از این گفته شد، بر بنیاد تجربه‌های این دانش‌آموزان می‌بینیم فناوری خنثی نیست بلکه دارای بار ارزشی و فرهنگی ویژه خود است. شبکه مجازی اینستاگرام نیز به عنوان نمونه‌ای از فناوری‌های ارتباطی بر اساس ساختار و تعاریف خود، دارای ارزش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. بر بنیاد تجربه دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش ارزش‌های این شبکه مجازی و گفتمان حاکم بر آن در شکل‌دهی به دیدگاه آن‌ها درباره زندگی خوب، سبک زندگی و هویت نقش مهمی ایفا می‌کند. شهرت و سلبریتی شدن به جهت‌گیری و هدف اول زندگی این دانش‌آموزان تبدیل می‌شود. دختر نوجوانی که تا پیش از این پوشش برایش اهمیت داشت به گفته خود وقتی می‌بیند در اینستاگرام بی‌حجاب بودن باعث بالا رفتن دنبال‌کنندگانش می‌

¹ . Marshall, P. David

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

شود، در ابتدا دیدگاهش و سپس عملش را در این باره تغییر می دهد. در حوزه باورها و اعتقادات دیگر نیز با خواندن متن هایی که در اینستاگرام می خواند با چالش جدی مواجه می شود.

دانش آموز نوجوانی که در ابتدای راه استقلال فکری، کسب هویت و نیز فلسفه زندگی است، وارد فضای بی انتها و بدون مرز اینستاگرام می شود و با کسب تجربه های تازه، با چالش جدی در باورها و اعتقاداتش مواجه می شود. در برنامه درسی ملی تصریح شده است که برنامه درسی به مجموعه فرصت های تربیتی نظام مند و طرح ریزی شده و نتایج مترتب بر آنها اطلاق می شود که متربیان با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند (۱۳۹۰: ۳۷۲). اما بررسی تجربه بیرونی و غیر رسمی این دانش آموزان نشان از شکافی بسیار با هدف های تصریح شده در برنامه درسی رسمی دارد. برنامه درسی بیرونی همچنان که گفته شد یکی از انواع برنامه درسی است که شامل مجموعه آموخته ها و الگوهای یاددهی - یادگیری است که در فضای خارج از مدرسه روی می دهد. این نوع برنامه درسی گاه ممکن است ادامه یادگیری های دانش آموزان از برنامه درسی قصد شده و رسمی باشد که در این صورت به عنوان مکمل برنامه رسمی عمل می کند و گاه ممکن است تداوم ناقصی از یادگیری های دانش آموزان باشد و حتی ممکن است در تضاد با برنامه درسی رسمی و قصد شده باشد. تجربه دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش نشان دهنده وضعیت تضاد با برنامه درسی رسمی و قصد شده است چرا که جهت گیری آن ها در زندگی نه حیات طیبه، بلکه زندگی خوبی است که سلبریتی های اینستاگرام آن را جهت دهی می کنند.

رفتارها^۱:

محتوای رفتاری و فعالیت‌هایی که یک شخص در طول روز درگیر آن‌هاست. به عبارتی دیگر «چه» رفتار را مشخص می‌کند (هوتا، ۲۰۱۶). از دیدگاه این دانش‌آموزان زندگی خوب در معروف شدن است و برای معروف شدن باید همان افکار، رفتار و به طور کلی سبک زندگی آدم‌های معروف یا به بیان آن‌ها سلبریتی‌ها را داشت. داشتن جهت‌گیری چون مشهور شدن باعث درگیر شدن دانش‌آموزان در رفتارهایی است که آن‌ها را به این هدف نزدیک می‌کند. افراط، روزمرگی و تقلید مقوله‌های اصلی رفتارهای این دانش‌آموزان است. افراط در استفاده از اینستاگرام و تقلید کارهای سلبریتی‌ها. فریس (۲۰۰۷) از افراط پرهزینه و خطرناکی انتقاد می‌کند که مردم برای مشهور شدن یا شناختن سلبریتی‌ها صرف می‌کنند. برودی (۱۹۹۷) به نقل از فریس، (۲۰۰۷) علاقه‌مندی غیر منطقی امروزی به سلبریتی را به مثابه فقدان غرور و مسئولیت فردی می‌داند.

بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ساحت‌های ششگانه تعلیم و تربیت عبارتند از: اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ اجتماعی و سیاسی؛ زیستی و بدنی؛ زیباشناختی و هنری؛ اقتصادی و حرفه‌ای و علمی و فناورانه، که در هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به این ساحت‌های شش‌گانه مبنا قرار گرفته است (۱۳۹۱: ۱۵). اما به نظر می‌رسد در تجربه بیرونی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش چندان نشانی از جامعیت و یکپارچگی و توجه متوازن به این ساحت‌های شش‌گانه دیده نمی‌شود بلکه آن‌ها به دلیل علاقه افراطی که به شهرت پیدا کرده‌اند درگیر رفتارهایی هستند که ممکن است آن‌ها را از مسئولیت‌های اصلی آن‌ها و نیز از این هدف‌های تصریح شده در برنامه درسی رسمی دور

1 . Behaviors

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

کند. داشتن چنین رفتارهایی فقط بر بنیاد جهت گیری و اولویتی که این دانش آموزان با واسطه گری اینستاگرام در زندگی پیدا کردند قابل توجیه است.

تجربه ها

تجربه ها به معنای داشتن احساسات ذهنی، احساسات و ارزیابی های شناختی - عاطفی. برای مثال احساس معنی/ارزش یا احساس عاطفی مثبت است (هوتا، ۲۰۱۶). بر بنیاد گفته های دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش تجربه های آن ها در دو مقوله احساسات ذهنی خوشایند و تجربه غرق شدگی قابل بررسی است:

دانش آموزانی که در این پژوهش مشارکت داشتند اذعان کردند زمانی که در فضای اینستاگرام به سر می برند هیجان های مثبتی را تجربه می کنند. آن ها از احساس خوبی که موقع بودن در شبکه اینستاگرام هستند می گویند. عجیب تر این که از تجربه و حسی همچون غرق شدن در فضای آن گفتند، همان که در متون تربیتی فلوا^۱ گفته می شود و به معنای درگیر شدن دانش آموزان با فعالیت های آموزشی و تربیتی است به گونه ای که متوجه گذر زمان نشوند و در حقیقت به معنای داشتن جذابیت این فعالیت ها برای دانش آموزان است. همچنان که می بینیم به طرز شگفت انگیزی همه این دانش آموزان تجربه غرق شدگی در فضای اینستاگرام را داشتند. و این جای بسی تأمل دارد که اینستاگرام و شبکه های مجازی دیگر از چه تکنیک ها و فونونی بهره می برند که می توانند این چنین دانش آموزان را در جاذبه خود غرق کنند اما برخی از نظام های آموزش و پرورش با این قدمت و پیشینه هنوز نتوانسته اند چنین کاری انجام دهند. اینجا می توان به ویژگی شفافیت در فناوری مورد استفاده دانش آموزان نیز اشاره کرد. در پساپدیدارشناسی مفاهیم بسیاری توسعه یافته اند که مفهوم چندگانگی^۲ و شفافیت^۳ از مفاهیم اصلی و محوری آن می باشد. آیدی از واژه شفافیت برای اشاره به درجه ای از کاربرد فناوری استفاده می کند که در آن فناوری بدنمند شده به پیش زمینه تجربه

1 . flow

2 . Multistability

3 . transparency

عقب نشینی می‌کند و فرد متوجه حضور آن نمی‌شود. وقتی که فرد به میزان زیادی به استفاده از یک فناوری مشخص عادت کرده است، یک فناوری می‌تواند با درجه بالایی از شفافیت بدنمند شود (آیدی، ۱۹۹۰).

عملکردها^۱

یعنی توانایی‌ها، دستاوردها (هنرها- فضیلت‌ها- کمالات) و عادات سالم که غالباً پس از یک دوره طولانی از جهت‌گیری‌ها و رفتارها پدیدمی‌آیند (هوتا، ۲۰۱۶). همچنان که گفته شد یکی از راه‌های تشخیص فلسفه زندگی خوب افراد این است که ببینیم جهت‌گیری‌ها، رفتارها، تجربه‌ها و عملکرد آن‌ها چگونه است. مقوله‌هایی چون: افت تحصیلی، روابط خانوادگی، انتخاب رشته و مسیر شغلی و کسب مهارت‌ها، زیرمقوله عملکرد دانش‌آموزان قرار می‌گیرند. که آن‌ها هم به دو صورت کاهش/افزایشی یا منفی و مثبت تقسیم بندی شده است. هر چند در تعریف ذکر شده در بالا عملکرد فقط در سطح مثبت مورد نظر است اما در بررسی عملکرد دانش‌آموزانی که در این پژوهش مشارکت داشتند هم تجربه‌های کاهش و هم تجربه‌های افزایشی آنها بررسی شد.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد کاربرد هر فناوری در عین اینکه باعث افزایش در یک زمینه زندگی انسان می‌شود، یک جنبه از زندگی انسان را کاهش می‌دهد. این ساختار افزایشی کاهش، دوگانه‌ای است که در حوزه‌های گوناگون می‌تواند دیده شود. بر این اساس عملکرد دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش از دو بعد تجربه‌های افزایشی و تجربه‌های کاهش بررسی می‌شود. تجربه‌های کاهش دانش‌آموزان در سطح عملکرد در دو بخش: افت تحصیلی و روابط خانوادگی قابل بررسی است.

یکی از تجربه‌های کاهش دانش‌آموزان در سطح عملکرد، داشتن افت تحصیلی است. این اصطلاح برای نشان دادن موقعیت فعلی یادگیری و نتایج دانش‌آموز نسبت به زمان‌های مشابه قبلی است. بدین معنا که اگر سطح نمره‌ها و یادگیری دانش‌آموزی در

1 . Functioning

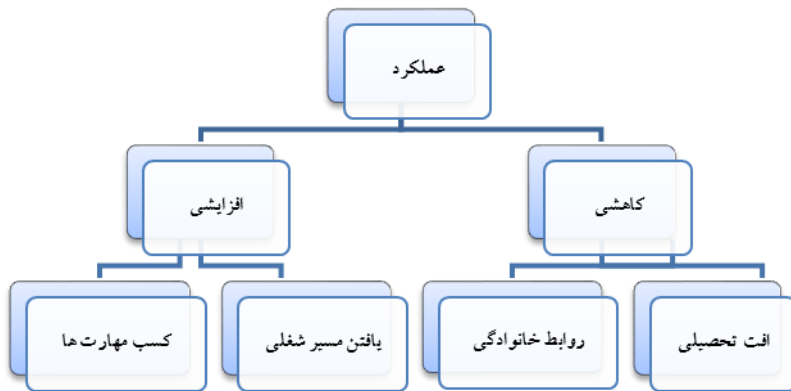
تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

مقایسه با ماه یا سال قبل خود پایین بیاید می گوئیم دانش آموز دچار افت تحصیلی شده است. این پدیده به عوامل گوناگونی بستگی دارد. دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش یکی از عوامل اصلی افت تحصیلی خود را استفاده از شبکه مجازی اینستاگرام می دانند. یانگ (۲۰۰۰)، در تحقیقات خود دریافت که ۵۸ درصد دانش آموزان پس از استفاده زیاد از حد اینترنت در عادت های مطالعه خود دچار افت شدند و نمرات آن ها به طور قابل ملاحظه ای کاهش پیدا کرده و میزان غیبت های این دانش آموزان افزایش یافت.

بخش دیگری از تجربه های کاهشی دانش آموزان در سطح عملکردی مربوط به ارتباطات خانوادگی و ارتباط با اطرافیان است که به دنبال استفاده از اینستاگرام کاهش یافته است. تأملات نظری و یافته های تجربی، رویکردهای متفاوتی در این خصوص اتخاذ کرده و به گزاره های متفاوت و حتی متناقضی در خصوص پیامدهای حضور و مصرف رسانه های نوین در فضای تعاملات خانوادگی رسیده اند. برخی بر این باورند که فناوری های نوین رسانه ای همچون اینترنت، موبایل، کامپیوتر و ... به عنوان عامل و نیرویی منفی مانع روابط خانوادگی بوده و با تهی کردن روابط اجتماعی به انزوای اجتماعی خانواده از یکدیگر و فاصله گرفتن خانواده ها از جهان بیرون منجر شده اند (استول، ۱۹۹۵). در تجربه این دانش آموزان کم شدن ارتباطات خانوادگی و دوستانه به روشنی دیده می شود. بهترین تصویر را در این باره می توان این جمله دانست «مامانم میگه تو اصلا از ما فاصله گرفتی. انگار اتاقت شده یه خونه جدا.» استفاده از شبکه مجازی اینستاگرام گر چه باعث کاهش عملکرد دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش در زمینه های گفته شده گردید، اما در زمینه هایی دیگر باعث افزایش و تقویت عملکرد آنها شده است. تجربه های افزایشی دانش آموزان در سطح عملکرد را می توان در دو بخش انتخاب رشته و یافتن مسیر شغلی و کسب مهارت بررسی کرد:

یافتن مسیر شغلی

یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های دانش‌آموزان در دوران متوسطه اول، انتخاب رشته تحصیلی است. بسیاری از برنامه‌های درسی دوران متوسطه اول بر بنیاد چنین هدفی طراحی و تدوین شده است. از جمله: اختصاص ساعت‌های بیشتر به مشاوره تحصیلی و شغلی در این دوران، ارسال دستورالعمل ویژه هدایت تحصیلی به مدارس، برگزاری کارگاه‌های تخصصی هدایت تحصیلی و انتخاب رشته از سوی مشاوران مدارس برای دانش‌آموزان، والدین و دبیران، اختصاص بخش‌هایی از کتاب‌های درسی از جمله پودمان‌های کار و فناوری به بحث هدایت تحصیلی و انتخاب رشته و اقدامات و برنامه‌های دیگری در همین زمینه. اما آنچه برای پژوهشگر که خود مشاور تحصیلی و شغلی در مدارس متوسطه است، جالب و قابل توجه است اینکه تجربه و عملکرد این دانش‌آموزان برای انتخاب رشته و یافتن مسیر شغلی چگونه با واسطه‌گری اینستاگرام دچار این تغییرات شده است که حتی قوی‌تر از کارگاه‌های تخصصی و برنامه‌های ویژه آموزش و پرورش در این زمینه بوده است. جالب‌تر اینکه سمت و سوی این گرایش‌ها در انتخاب رشته بیشتر به سمت رشته‌های هنری است. دانش‌آموزان از این شبکه به عنوان فناوری آموزشی بهره‌برده‌اند و حتی باعث یافتن مسیر شغلی آن‌ها شده است. این مساله را می‌توان با توجه به ویژگی چندگانگی که در فناوری وجود دارد توضیح داد. بدین گونه که بخش مرکزی فلسفه فناوری آیدی، این ادعای او است که یک فناوری می‌تواند به روش‌های مختلف و برای اهداف مختلف بدنمند (تجسد) شود. او این را چندگانگی می‌خواند. براساس نظر آیدی هیچ کدام از فناوری‌ها، کاربردی انحصاری ندارد، و این توانایی را دارد که به چندین زمینه تعلق داشته باشد (آیدی، ۱۹۹۰). تجربه‌های این دانش‌آموزان نیز نشان‌دهنده این ویژگی فناوری است. می‌بینیم که اینستاگرام به عنوان یک شبکه اجتماعی مجازی که در آن افراد فیلم‌ها و عکس‌های خود را به اشتراک می‌گذارند، کاربرد متفاوت و چندگانه‌ای را در زمینه‌های مختلف پیدا کرده است. بخش دیگری از تجربه‌های افزایشی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش در سطح عملکرد ایجاد یا تقویت مهارت‌های هنری و ورزشی در آنان است.



نمودار شماره ۱- عملکرد دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش

بحث و نتیجه گیری

پرسش اصلی این پژوهش تجربه دانش آموزان دختر از معنای زندگی خوب، با واسطه گری اینستاگرام بود؛ در پاسخ تجربه آن‌ها در هشت مقوله شهرت، افراط و تقلید، احساس ذهنی خوشایند، تجربه غرق شدگی، افت تحصیلی، روابط خانوادگی، انتخاب رشته و مسیر شغلی و کسب مهارت‌ها، دسته بندی شد. سپس این هشت مقوله در چهار طبقه مفهومی جهت گیری‌ها، رفتارها، تجربه‌ها و عملکردها قرار گرفتند که نشان دهنده تجربه و معنایی لذت‌گرا و خواسته محور از زندگی خوب نزد دانش آموزان است. بدین ترتیب که جهت گیری آن‌ها در زندگی به سمت شهرت است و سلبریتی شدن و این جهت گیری مبنایی است برای انجام رفتارهایی که آن‌ها را به چنین هدفی نزدیک می‌کند. همچنین در این بخش شاهد تغییراتی در نگرش‌ها و باورهای دانش آموزان درباره مسائل مختلف اعتقادی و غیر اعتقادی هستیم. استفاده از اینستاگرام همچنین کاهش‌ها و افزایش‌هایی را در سطح عملکرد برای دانش آموزان داشته است. به گونه‌ای که باعث تقویت برخی مهارت‌های هنری و ورزشی و نیز انتخاب رشته و یافتن مسیر شغلی آن‌ها شده است. از سویی دیگر جنبه‌هایی از زندگی آن‌ها را نیز کاهش داده است از جمله: افت تحصیلی و روابط خانوادگی. سرانجام می‌توان این گونه گفت که بر اساس تجربه‌های دانش آموزان شرکت کننده در این

پژوهش معنایی که آن‌ها از زندگی خوب با واسطه‌گری اینستاگرام دارند معنایی لذت‌گرا و خواسته‌محور است. برای نمونه دانش‌آموزی که تا قبل از استفاده از اینستاگرام می‌گوید من در زندگی هدف داشتم، هدفم درس خواندن و موفقیت در درس‌ها بوده است در موقع استفاده از اینستاگرام دیگر هیچ هدفی ندارد و همه چیز برایش بی‌معنی می‌شود جز احساس خوب و خوش در همان موقع و به بعد از آن زمان نمی‌اندیشد. آینده‌نگری برای او جای خود را به آنی‌نگری می‌دهد. در تجربه دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش می‌بینیم که آن‌ها در طول روز درگیر رفتارهایی هستند که نسبتی با رشد و کمال فردی آن‌ها ندارد و خود نیز به این امر آگاهند. دانش‌آموزی دیگر می‌گوید «رسیدن به خواسته‌هایم یعنی زندگی خوب» و این دقیقاً تعریفی است که در انگاره ترجیح از زندگی خوب می‌شود. همچنین دانش‌آموزی که می‌گوید «خوشگذرونی خودم برام مهمه و نه چیز دیگه»، رویکردی لذت‌گرا دارد چرا که در این رویکرد خوشی و لذت همان خوبی است و زندگی خوب یعنی زندگی لذت‌بخش. اینستاگرام به عنوان یک شبکه اجتماعی مجازی همچون ابزاری نیرومند تجربه و ادراک دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش را شکل داده است. همان معنایی که هایدگر از به‌کاربردن واژه‌ای چون «گشتل» برای فناوری در نظر داشت. هایدگر ذات فناوری نوین را خستی نمی‌داند. او واژه آلمانی گشتل به معنی قالب و قفسه را ذات فناوری نوین خوانده و بر این باور است که ذات فناوری نوین قالب‌بندی کردن و شکل دادن است، که نه تنها اشیاء بلکه انسان‌ها را نیز دربر می‌گیرد. این شبکه اجتماعی به صورتی دقیق در حال شکل دادن و قالب‌بندی تجربه دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون است. به نظر می‌رسد اینستاگرام برای دانش‌آموزان نوجوان جذابیت بسیاری دارد. دانش‌آموزانی که در دوران گذر از کودکی به بزرگسالی و استقلال فکری و عاطفی از خانواده به سر می‌برند. این نوجوانان در هیاهوی فضای شبکه‌های اجتماعی به ویژه شبکه اجتماعی اینستاگرام نخست از خود یعنی آن تعریفی که از خود و خواسته‌های خود داشتند به گونه‌ای تخلیه شدند، سپس بر بنیاد همزادپنداری با افراد پرتفردار و مشهور شبکه‌های اجتماعی چون اینستاگرام به

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

بازتعریف خود پرداختند. در این تعریف جدید، خود ایده آل آن ها نه پزشک و معلم-ایده آل های کودکی آن ها- که عکاس و طراح لباس و ورزشکار است. همان قهرمانان شبکه های اجتماعی مجازی. بر بنیاد تجربه شرکت کنندگان در این پژوهش، آن ها در حسرت زندگی خوبی هستند که در شبکه های اجتماعی تعریف و ترویج می شود و از تفاوت زیادی که میان سبک زندگیشان با سبک زندگی ایده آل تعریف شده در اینستاگرام وجود دارد ناراضی اند. بنابراین ما طیفی از دگرگونی ها را در تجربه و ادراک این دانش آموزان از زندگی خوب با واسطه گری اینستاگرام می بینیم که بدون نوشتن هیچ سند بنیادین عریض و طویلی به وجود آمده است و تا زمانی که ما دلمان را به نوشتن سندهایی صرف خوش می کنیم فناوری های مدرن آرام آرام و گاهی به سرعت تجربه و دیدگاه دانش آموزان را درباره مسائل گوناگون و از جمله موضوع کلیدی زندگی خوب شکل می دهند. این مسأله ضرورت توجه بیش از پیش را به بررسی برنامه درسی غیررسمی و بیرونی دانش آموزان به ویژه دگرگونی هایی که شبکه های مجازی بر درک و دیدگاه نوجوانان درباره امور مختلف دارند، می طلبد.

منابع

- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱) برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مصوبه اسفند. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰) مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه آذرماه. تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۳)، برنامه درسی به سوی هویت های جدید، تهران، آبیژ.
- فریس، کری ا. (۱۳۹۴). جامعه شناسی سلبریتی، ترجمه: فردین علیخواه، قابل

دسترس در: <http://anthropology.ir/article/30729>

- ضرغامی، سعید. (۱۳۹۶)، تحلیل و ارزیابی ماهیت ارتباط مجازی معلم و فراگیران در نسل نو یادگیری الکترونیکی: مطالعه موردی موبک‌ها، مبانی تعلیم و تربیت ۷(۲) ۲۵-۳۶، مشهد.
- Achterhuis, Hans (2002), Borgmann, *Technology and the Good Life? and the Empirical Turn for Philosophy of Technology*, Techné 6:1 Fall 2002.
- Bishop, Michael, A. (2015), *The Good life, Unifying the Philosophy and Psychology of Well-Being*, Oxford University press.
- Brey, P. (2012). *Well-Being in Philosophy, Psychology, and Economics*. In Brey, P., Briggie, A. & Spence, E. (Eds.), *The Good Life in a Technological Age* (pp. 15-34). Routledge.
- Borgmann, A. (1984), *Technology and the Character of Contemporary Life*, Chicago: University of Chicago Press.
- Collizzi, P. (1978) *Psychological Research as the Phenomenologist Views It*, New York: Oxford University Press.
- Dehghani, A., J. K., M. D., (2019), Experiences of students and faculty members about using virtual social networks in education: A qualitative content analysis, *Journal of Advances in Medical Education & Professionalism*, April 2019; Vol 7 No 2.
- Fletcher, G. (2016) *The Philosophy of Well-Being: An Introduction, The Routledge Handbook of Philosophy of Well-Being*.
- Ferris, Kerry. O., (2007) *The Sociology of Celebrity*, <http://doi.org/10.1111/j.1751-9020>.
- Gok, Tolga (2016), The Effects of Social Networking Sites on Students' Studying and Habits, *International Journal of Research in Education and Science*, Volume 2, Issue 1, Winter 2016, 93-84.

تجربه و معنای زندگی خوب در برنامه درسی غیررسمی...

- Gündüz, Uğur, (2017), The Effect of Social Media on Identity Construction, **Mediterranean Journal of Social Sciences**, Vol 8 No 5, 92-85.
- Heidegger, M. (1977). *The Question Concerning Technology and Other Essays*, New York: Harper Torchbooks.
- Huta, V(2016), Eudaimonic and Hedonic Orientations: Theoretical Considerations and Research Findings, J. Vittersø (ed.), *Handbook of Eudaimonic Well-Being, International Handbooks of Quality-of-Life*, DOI 10.1007/978-3-319-42445-3_15.
- Holloway, I; Wheeler, s.(2002). *Qualitative research in nursing*. (2nd Ed). London: Blackwell publishing.
- Ihde, D. (1979), *Technics and Praxis*, D. Reidel Publishing Company, Dordrecht, Holland.
- Ihde, D. (1990). *Technology and The Lifeworld: From Garden to Earth*, Bloomington: Indiana University Press.
- Johan.L,S.P,A.J,(2019), Students' ideas about technological systems interacting with human needs, *Int J Technol Des Educ* (2019) 29:263–282. <https://doi.org/10.1007/s10798-018-9449-0>.
- Kridel, Craig (2010). *Encyclopedia of Curriculum Studies*. SAGE publications, LOS angeles.
- Lin,Eden (2016) The Subjective List Theory of Well-Being, *Australasian Journal of Philosophy*, 94:1, 99-114, DOI: 10.1080/00048402.2015.1014926.
- Marshall, P. David; Redmond, Sean. (2015). *A Companion to Celebrity*.John Wiley & Sons Publications.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy(2019), *Happiness*, First published Wed Jul 6, 2011; substantive revision Mon Sep 23, 2019.
- Rosenberger, R. (2009). *The sudden experience of the computer*. *AI & Society*, 24(2), 173-180.

- Rosenberger, R., & Verbeek, P. P. (2015). **Postphenomenological Investigations: Essays on Human-Technology Relations: *Postphenomenology and the Philosophy of Technology***. Lexington Books.
- Verbeek, P. P. (2001). *Don Ihde: The Technological Lifeworld*. In H. Achterhuis (Ed.), *American philosophy of technology: The empirical turn* (pp. 119-146). Indiana University Press.
- Young K.S (2000). *Cyber Disorders: the mental health- 6 concern for the new millennium*. Press for *cyber psychology and Behavior of 107 th APA Convention*. Available at www.Netaddiction.com, Accesef.